

مروری بر تجربه جهانی ارزیابی نظام آموزش عالی

محمد حسینی مقدم*

می‌تواند برای ارزیابی آموزش عالی ایران مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی، پیچیدگی، رصد، روند، بافتار اقتصادی - سیاسی، رقابت‌پذیری، ارزیابی نهادی

مقدمه

نگاه طیفی به آینده یکی از مهم‌ترین فرضیه‌های آینده‌پژوهی است. به عبارت روشن‌تر این طیف ناظر بر آینده‌های ممکن^۳ (آینده‌هایی که می‌توانند واقع شوند)، محتمل^۴ (آینده‌هایی که احتمال واقع شدن آنها وجود دارد) و مطلوب^۵ (آینده‌هایی که می‌باید محقق شوند) است. بنابراین آینده‌پژوهی انتخاب‌های مختلفی را راجع به آینده پیش روی افراد و سازمان‌ها قرار می‌دهد و در انتخاب و پی‌ریزی مطلوب‌ترین آینده به آنان کمک می‌کند (Bell, 2003, p73). با تکیه بر این فرض دستیابی به آینده مطلوب آموزش عالی ایران یکی از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌های نگراننده است. با توجه به ماهیت پیچیده آموزش عالی به عنوان یک برساخته اجتماعی^۶، باید خاطر نشان ساخت که دستیابی به آینده مطلوب آن مستلزم به‌کارگیری روش‌ها و رویکردهای مختلف است. این روش‌ها را می‌توان در طیفی از رویکردهای آفاقی^۷ و انفسی^۸ مورد بررسی قرار داد. در این مقاله تلاش

چکیده

از منظر آینده‌پژوهی^۱ آموزش عالی به عنوان یک پیشران^۲ مهم و تعیین‌کننده در شکل‌دهی به آینده علم و فناوری مورد توجه آینده‌اندیشان و سیاست‌پژوهان علم و فناوری بوده است. از مهم‌ترین دلایل این اهمیت، نقش کانونی آموزش عالی در تولید، آموزش، ترویج و توسعه قلمروهای متفاوت دانش و معرفت بشری است. علاوه بر این جهانی‌شدن آموزش عالی، تحرک گسترده دانشجویان و پژوهشگران برای کسب مهارت‌های آموزشی و پژوهشی به کشورهای پیش‌تاز در این حوزه، کیفیت برودادهای مراکز آموزشی و پژوهشی که از شهرت جهانی برخوردارند و برخی ویژگی‌های دیگر باعث اهمیت یافتن رقابت‌پذیری در این حوزه شده است. از این رو ارزیابی و تضمین کیفیت عملکرد واحدهای آموزش عالی به عنوان گام مهمی به منظور دستیابی به رقابت‌پذیری، همواره در دستور کار سیاست‌پژوهان علم و فناوری بوده است. رصد تحولات جهانی ارزیابی آموزش عالی به منظور شناسایی روندها و رویدادهای این حوزه، گامی مؤثر در ارزیابی آموزش عالی ایران محسوب می‌شود. در این مقاله تلاش شده است تجربه کشورهای امریکا، دانمارک، ژاپن و پاکستان مورد بررسی قرار گیرد. در پایان با تکیه بر وجوه اشتراک مدل‌های ارزیابی این کشورها، مدلی به منظور ارزیابی آموزش عالی پیشنهاد شده است. این مدل

3. Possible

4. Probable

5. Preferable

6. Social Construct

7. Objective

8. Subjective

* دانشجوی دکتری آینده‌اندیشی، دانشگاه بین‌المللی امام‌خمينی، پست

الکترونیکی: mh_moghadam@yahoo.com

^۱. Futures Studies

^۲. Driver

بخش‌های امریکا از جمله نظامی، اقتصادی، علمی، فناوری، فرهنگی و ... آموزش عالی است. رقابت‌پذیر بودن این عرصه موجب شکل‌گیری نوعی برتری‌جویی میان مؤسسات آموزش عالی این کشور شده است. ارزیابی یکی از مهم‌ترین زمینه‌های روشن‌گر در این خصوص است. به عبارت دیگر مؤسسات غیر انتفاعی و غیر دولتی بسیاری برای نشان دادن برتری و اعتبار یک مؤسسه آموزش عالی در مقایسه با سایر مؤسسات آموزش عالی امریکا تشکیل شده‌اند (Council for Higher Education Accreditation, 2009, p1).

ارزیابی مؤسسات آموزش عالی در امریکا طی فرایندی غیر دولتی صورت می‌گیرد. مهم‌ترین سازمان متولی ارزیابی آموزش عالی امریکا؛ "شورای اعتبارسنجی آموزش عالی"^۳ است. این شورا سازمانی غیر دولتی است که سه هزار مؤسسه آموزش عالی امریکا را در بر می‌گیرد. ۵۹ سازمان ارزیابی‌کننده زیر نظر این شورا ارزیابی این مؤسسات آموزش عالی را انجام می‌دهند (Council for Higher Education Accreditation (b), p2).

ارزیابی در نظام آموزش عالی امریکا ناظر بر فرایندی داوطلبانه به منظور تضمین کیفیت مداوم، پاسخگویی و بهبود مؤسسات آموزشی و برنامه‌های مطالعاتی است. در امریکا ارزیابی به عنوان شاخص کیفیت دیده می‌شود. ارزیابی ناظر بر فرایندی است که بر اساس آن مؤسسات آموزش عالی اطلاعات خود را برای ارزیابی در اختیار نهاد مستقل بیرونی قرار می‌دهند تا ارزش و کیفیت برنامه‌های خود را نشان دهند. فرایندهای ارزیابی در امریکا غیر متمرکز است به طوری که تعداد زیادی سازمان مستقل و غیر دولتی

شده است با استفاده از روش «رصد»^۱ تجربه جهانی در حوزه ارزیابی آموزش عالی به طور آفاقی مورد بررسی قرار گیرد. به این منظور روندهای مهم ارزیابی آموزش عالی چهار کشور ژاپن، پاکستان، امریکا و دانمارک مورد بررسی قرار گرفته است. در این انتخاب تنوع جغرافیا، نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مشهود است. علاوه بر این توجه به کشورهای مذکور برای ارزیابی آموزش عالی، مستندات مدون آنها به زبان انگلیسی در خصوص ارزیابی آموزش عالی و دسترس‌پذیری به این مستندات از دیگر انگیزه‌های انتخاب آنها برای بهبود تطبیقی^۲ در این مقاله بوده است. روندهای ارزیابی آموزش عالی این کشورها بر حسب نقش آفرینان کلیدی، الگو و شاخص‌های مورد توجه برای ارزیابی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در ادامه تجربه و روندهای مهم ارزیابی آموزش عالی کشورهای مذکور مورد بررسی قرار گرفته است.

الف - نظام ارزیابی آموزش عالی کشور امریکا

نظام ارزیابی در امریکا پیشینه‌ای یک‌صد ساله دارد. مطابق آمار سال ۲۰۰۸ میلادی، سالانه ۳۷۵ میلیارد دلار صرف آموزش عالی امریکا می‌شود. بیش از ۱۷/۷ میلیون نفر در مؤسسات آموزش عالی سالیانه ثبت نام می‌کنند و این مؤسسات نزدیک به ۳/۳۷ میلیون نفر را به صورت تمام وقت و پاره‌وقت استخدام کرده‌اند. بر این اساس بخش آموزش عالی امریکا یکی از مهم‌ترین عرصه‌های رقابت‌پذیری و نوآوری است. چرا که سر منشأ رقابت‌پذیری و نوآوری در سایر

1. Scanning
2. Benchmarking

3. Council for Higher Education Accreditation (CHEA)

ج- مؤسسه شرایط و سازوکارهای لازم برای تحقق مأموریت و اهداف خود را فراهم کرده است.

د- مؤسسه کارآمدی نهادی و برون‌دادهای آموزشی مورد انتظار را ارزیابی و از نتایج آن برای بهبود خود استفاده می‌کند.

کمیسیون آموزش عالی ایالت‌های مرکزی ۱۴ استاندارد را به منظور ارزیابی آموزش عالی به شرح زیر در نظر گرفته است (Middle States Commission on Higher Education, 2006, p 1-68):

الف- مأموریت و اهداف

ب- برنامه‌ریزی، تخصیص منابع و نوسازی نهادی

ج- منابع نهادی

د- رهبری و حکمرانی

ه- بخش اداری

و- انسجام

ز- ارزیابی نهادی

ح- پذیرش و حفظ دانشجو

ط- خدمات مبتنی بر حمایت از دانشجو

ی- عضو هیئت علمی

ک- برنامه‌های آموزشی

ل- آموزش عمومی

م- فعالیت‌های آموزشی مرتبط

ن- ارزیابی یادگیری دانشجویان

ب- نظام ارزیابی آموزش عالی کشور پاکستان

عالی‌ترین مرجع ارزیابی آموزش عالی کشور پاکستان؛ "کمیسیون آموزش عالی"^۲ است. این کمیسیون طی فرمان^۳ پرویز مشرف، رئیس جمهور وقت پاکستان، در سال ۲۰۰۲ میلادی تشکیل شد. به لحاظ ساختاری

این نقش را به عهده دارند (El-Khawas, 2001, p14).

رایج‌ترین نوع ارزیابی در امریکا، ارزیابی منطقه‌ای است. در حال حاضر شش انجمن منطقه‌ای عهده‌دار انجام این ارزیابی هستند. استانداردهای ارزیابی زیر برای تمام این شش انجمن ارزیابی کننده مشترک است (Koenig & Lofstad, 2004):

۱- داشتن بیانیه مأموریت و مقصد مشخصی که متناسب آموزش عالی است.

۲- داشتن اهداف معینی مبتنی بر مأموریت و مقصد مؤسسه آموزش عالی.

۳- داشتن منابع و نظام‌های عملکردی شفاف مالی، سازمانی و دانشگاهی که به تحقق اهداف و مأموریت مؤسسه کمک می‌کند.

۴- داشتن نظامی به منظور ارزیابی مداوم پیشرفت‌هایی که در جهت تحقق مأموریت و اهداف مؤسسه است.

کمیسیون آموزش عالی ایالت‌های مرکزی^۱ یکی از انجمن‌های ششگانه ارزیابی منطقه‌ای آموزش عالی امریکا است. در حال حاضر ۵۲۱ مؤسسه آموزش عالی امریکا عضو این کمیسیون هستند. کمیسیون آموزش عالی ایالت‌های مرکزی به جامعه و عموم مردم این تضمین را می‌دهد که مؤسسه‌ای که توسط این کمیسیون معتبر شناخته می‌شود استانداردهای زیر را احراز کرده است (Middle States Commission on Higher Education, 2006, p IV):

الف- دارای مأموریت متناسب با آموزش عالی است.

ب- مؤسسه از طریق اهداف متناسبی هدایت می‌شود که به خوبی تعریف شده‌اند.

2. Higher Education Commission(HEC)

3. Ordinance

1. Middle States Commission on Higher Education

سازمان مستقلی است که با حمایت وزارت آموزش دانمارک^۲ در سال ۱۹۹۲ میلادی با تصویب مجلس دانمارک تشکیل شده است. این مؤسسه عهده دار ارزیابی تمامی سطوح آموزش دانمارک شامل آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی است (Thune, 2001).

به طور مشخص می توان هدف مؤسسه ارزیابی دانمارک را در دو چیز بیان کرد:

الف- طراحی و انجام ارزیابی یاددهی- یادگیری

ب- تبدیل شدن به مرکز دانش دولت در حوزه ارزیابی آموزش

"مؤسسه ارزیابی دانمارک" بر حسب وظیفه توسعه و روزآمدسازی روش های ارزیابی بخش آموزش عالی کشور را به عهده دارد. حوزه ها و شاخص های ارزیابی "آموزش عالی دانمارک" مطابق جدول ۱ است (Thune, ibid):

این کمیسیون زیر نظر نخست وزیر اداره می شود. رئیس این کمیسیون توسط نخست وزیر و از میان چهره هایی انتخاب می شود که هم در پاکستان هم در سطح بین المللی در حوزه آموزش عالی شناخته شده هستند (Perviz Musharraf, 2002).

چشم انداز "کمیسیون آموزش عالی" آن است که از یک سو پیشران اصلی آموزش عالی قابل دسترس برای همه از سوی دیگر مطرح در سطح جهانی باشد، به نحوی که بتواند به عنوان نیروی محرکه توسعه اقتصادی-اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی تمام پاکستانی ها خدمت کند. "کمیسیون آموزش عالی" پاکستان برای ارزیابی آموزش عالی دو هدف اصلی در نظر گرفته است، که عبارتند از (HEC, 2005, pp18-66):

الف- اهداف راهبردی اصلی:

الف-۱- ارتقای اعضای هیئت علمی

الف-۲- بهبود دسترسی

الف-۳- تعالی بخشیدن به آموزش و پژوهش

الف-۴- ارتباط با اقتصاد: پیوندهای صنعتی

ب- اهداف پشتیبان میان بر:

ب-۱- توسعه رهبری، نظارت و مدیریت

ب-۲- بهبود کیفیت: ارزیابی و اعتبارسنجی کیفیت

ب-۳- توسعه زیرساخت فناوریانه و فیزیکی

ج- نظام ارزیابی آموزش عالی کشور دانمارک

نهاد متولی ارزیابی آموزش عالی کشور دانمارک؛ "مؤسسه ارزیابی دانمارک"^۱ است. این مؤسسه،

2. Danish Ministry of Education

1. The Danish Evaluation Institute (EVA)

جدول ۱: حوزه و شاخص‌های ارزیابی آموزش عالی در دانمارک

ردیف	حوزه ارزیابی	شاخص
۱	طرح کلی، مأموریت و اهداف	<ul style="list-style-type: none"> - تصریح اهداف دوره آموزشی - میزان مهارت‌ها و شایستگی‌هایی که دانشجویان به دست می‌آورند
۲	ساختار و محتوای دوره آموزشی	<ul style="list-style-type: none"> - تطابق ساختار دوره آموزشی با اهداف و چهارچوب قانونی در نظر گرفته شده است - تطابق محتوا با اهداف بیان شده برای دوره آموزشی - ادغام تجربه‌های کاری و زندگی - تطابق هسته دانشگاهی دوره آموزشی با اهداف بیان شده - تطابق سطح دانشگاهی دوره با مدرک و سطح دوره - تطابق کیفیت و سطح منابع علمی مورد استفاده در دوره با اهداف مورد نظر و سطح دانشگاهی دوره
۳	سازمان و امکانات دوره	<ul style="list-style-type: none"> - مسئولیت‌پذیری دانشگاهی و اداری - پشتیبانی فنی و اداری لازم برای برگزاری دوره - خودکفایی اقتصادی - امکانات لازم برای دوره از قبیل کتابخانه، فناوری اطلاعات - ایجاد محیط دانشجویی مناسب
۴	آموزش و استادان	<ul style="list-style-type: none"> - به‌کارگیری شیوه‌های یادگیری مناسب - میزان ارتباط دوره با پژوهش
۵	دانشجویان	<ul style="list-style-type: none"> - گذراندن به موقع درس‌ها - تدقیق استانداردهای مورد نیاز برای پذیرش دانشجو
۶	آزمون‌ها	<ul style="list-style-type: none"> - سطح، تعداد و برگزاری آزمون‌ها - قالب‌های آزمون
۷	توسعه و تضمین کیفیت	<ul style="list-style-type: none"> - در نظر گرفتن تضمین کیفیت در ارتباط با دوره آموزشی به عنوان یک کل - در نظر گرفتن تضمین کیفیت در ارتباط با عناصر دوره آموزشی - در نظر گرفتن تضمین کیفیت در ارتباط با توانمندی‌های آموزشی - در نظر گرفتن تضمین کیفیت در ارتباط با آزمون‌ها
۸	ارزش افزوده	دانشجویانی که از تجربه کافی برخوردار هستند

د- نظام ارزیابی آموزش عالی کشور ژاپن

در کشور ژاپن "مؤسسه ملی ارزیابی دانشگاه‌ها و مدارک دانشگاهی"^۱ عهده‌دار انجام ارزیابی مؤسسات آموزش عالی است. مأموریت این مؤسسه کمک به توسعه آموزش عالی در ژاپن است. به منظور افزایش کیفیت مؤسسات آموزش عالی شامل: دانشگاه‌ها، مدارس عالی پیش‌دانشگاهی^۲ و مدارس عالی فناوری^۳ و "مؤسسات پژوهشی میان دانشگاهی"^۴، "مؤسسه ملی ارزیابی دانشگاه‌ها و مدارک دانشگاهی فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی این مؤسسات را ارزیابی می‌کند. برای تحقق این مهم این دانشگاه فعالیت‌های زیر را انجام می‌دهد (National Institution for Academic Degrees and University Evaluation, 2009, pp 2-23):

الف- ارزیابی فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و سایر فعالیت‌های دانشگاه‌ها و دیگر مؤسسات آموزش عالی و ارائه نتایج ارزیابی به دانشگاه‌ها، مؤسسات، و نیز عموم مردم.

ب- اعطای مدارک دانشگاهی (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا) مطابق خط‌مشی‌هایی که در قانون آموزش ژاپن تصریح شده است.

ج- پژوهش در خصوص ارزیابی آموزش، پژوهش و دیگر فعالیت‌های دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات آموزش عالی ژاپن.

د- گردآوری، تجزیه و تحلیل و انتشار اطلاعات مربوط به ارزیابی آموزش، پژوهش و سایر فعالیت‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و

نیز اطلاعات مربوط به فرصت‌های متنوع یادگیری در دانشگاه‌های ژاپن.

ه- ارزیابی فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌های ملی و مؤسسات پژوهشی میان دانشگاهی مبتنی بر درخواست کمیته ملی ارزیابی همکاری‌های دانشگاهی^۵ که در وزارت آموزش، فرهنگ، ورزش، علم و فناوری^۶ انجام می‌شود و نتایج ارزیابی هر دانشگاه و مؤسسه پژوهشی میان دانشگاهی به اطلاع کمیته و عموم مردم می‌رسد.

الگویی که این مؤسسه به منظور ارزیابی دانشگاه‌های ژاپن به کار می‌برد مبتنی بر یازده دیدگاه است و بر این اساس یازده استاندارد نیز تعریف شده است. هدف از این یازده دیدگاه و یازده استاندارد ارزیابی شرایط کلی آموزش، پژوهش و دیگر فعالیت‌های دانشگاهی است. انتظار مؤسسه آن است که دانشگاه‌ها، هر یازده استاندارد را احصاء کرده باشند. چنانچه دانشگاهی بتواند هر یازده استاندارد را به دست آورد به عنوان یک مؤسسه شایسته شناخته می‌شود. این یازده استاندارد به شرح زیر است:

استاندارد اول: هدف

استاندارد دوم: ساختار آموزش و پژوهش

استاندارد سوم: کارکنان دانشگاهی و

کارکنان پشتیبانی آموزش

استاندارد چهارم: پذیرش دانشجو

استاندارد پنجم: برنامه‌های دانشگاهی

استاندارد ششم: کارآمدی عملکرد نهادی

استاندارد هفتم: پشتیبانی از دانشجویان

استاندارد هشتم: تجهیزات

1. National Institution for Academic Degrees and University Evaluation (NIAD-UE)
2. junior colleges
3. colleges of technology
4. interuniversity research institutes

5. National University Corporation Evaluation Committee
6. Ministry of Education, Culture, Sports, Science and Technology

استاندارد نهم: نظام تضمین کیفیت

استاندارد دهم: مسائل مالی

استاندارد یازدهم: مدیریت

پیشنهاد الگوی ارزیابی نهادی

با توجه به مطالعه تطبیقی جدول ۱ از منظر سیاست پژوهی و سیاستگذاری، الگوی ارزیابی نهادی مناسب ارزیابی نظام آموزش عالی ایران است. در این الگو ضمن به رسمیت شناختن استقلال مؤسسات آموزش عالی در بیان چشم‌انداز، اهداف، مأموریت‌ها، تعیین فعالیت‌ها و اولویت‌های خود بر پاسخگو بودن و ارتقای اعتماد عمومی نسبت به آنها تأکید می‌شود. از این رو محیط درونی و بیرونی آنها در ارزیابی مورد توجه قرار می‌گیرد. به منظور دستیابی به چهارچوب مفهومی مناسب برای ارزیابی نهادی مطابق نظر جیل جونز^۳ سه گام مهم و روابط میان آنها به شرح زیر باید مشخص شود (Johnes, 1996, p21):

الف- مشخص کردن دروندادهای مؤسسه آموزش

عالی

ب- مشخص کردن دروندادهای مؤسسه آموزش

عالی

ج- انتخاب فنون مناسب به منظور ارزیابی روابط

میان دروندادها و بروندادها

بر این اساس ارکان مدل ارزیابی نهادی به صورت

نظام‌مند^۴ مطابق شکل ۲ به شرح زیر از یکدیگر قابل تفکیک است (Csizmadia, 2006, pp69-73):

بررسی تطبیقی شاخص‌های ارزیابی آموزش

عالی

نتایج به دست آمده از بررسی الگوهای ارزیابی آموزش عالی در چهار کشور امریکا، دانمارک، ژاپن و پاکستان مؤید این مدعی است که ارزیابی آموزش عالی مقوله‌ای بافتاری^۱ است. به عبارت روشن‌تر الگو و شاخص‌های ارزیابی در هر کشور ریشه در مناسبت‌های تاریخی، سیاسی، فلسفی و اقتصادی حاکم بر آن کشورها دارد. خصوصی و یا دولتی بودن آموزش عالی، جایگاه دولت در آموزش عالی، حاکم بودن اصل رقابت‌پذیری و متغیرهایی از این دست از جمله زمینه‌های بافتاری مؤثر بر ارزیابی است (فراستخواه، ۱۳۸۸، صص ۴۰-۴۱).

با وجود تفاوت‌های موجود میان الگو و شاخص‌های ارزیابی کشورهای بررسی شده، مهم‌ترین وجه اشتراک نظام ارزیابی آموزش عالی آنها به کارگیری رویکرد نهادی^۲ است. به عبارت روشن‌تر در ارزیابی نظام آموزش عالی هر کدام از کشورها شاهد میل پیدا کردن الگو و شاخص‌های ارزیابی به سوی رویکرد کلان‌نگر و نهادی هستیم. در ارزیابی نهادی مطابق شکل ۱ تمامی فعالیت‌های مؤسسات آموزش عالی برحسب دروندادها، بروندادها، فرایندها و تطابق آنها با اهداف، مأموریت‌ها، چشم‌انداز و ظرفیت مؤسسه برای تغییر مورد توجه قرار می‌گیرد (Hämäläinen, 2001, pp7-12).

3. Jill Johnes
4. Systematic

1. Contextual
2. Institutional



شکل ۱: رویکرد ارزیابی نهادی

افزود و آن شهرتی است که مؤسسه آموزش عالی برای خود به دست آورده است. این منبع توان مؤسسه را برای جذب سایر منابع افزایش می‌دهد.

برونداد^۴: این شاخص ناظر بر اهمیت مناسبت‌های میان مؤسسات آموزش عالی و ذی‌نفعان آنها است. بسیاری از سازوکارهایی که به منظور ارزیابی مؤسسات آموزش عالی به کار گرفته می‌شود به واسطه ذی‌نفعان خدمات این مؤسسات شکل می‌گیرد. بنابراین رضایت ذی‌نفعان از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. نکته حائز اهمیت آن است که مؤسسات آموزش عالی باید به منظور حفظ و بهبود کیفیت فعالیت‌ها و خدمات، اطلاعات مفیدی را در خصوص برون‌دادهای خود در اختیار ذی‌نفعان خود قرار دهند.

پردازش^۵: این شاخص ناظر بر توجه به فرایندهای اصلی مؤسسات آموزش عالی از قبیل فرایندهای آموزشی، پژوهشی، خدماتی و حمایتی است. در زیر این شاخص تلاش می‌شود بدون آنکه به کیفیت

درون‌داد^۱: یکی از مهم‌ترین ارکان مورد توجه در ارزیابی نهادی فهم تأثیر برون‌دادهای بر خدمات و برون‌دادهای مؤسسات آموزش عالی است. فهم تأثیر درونداد در گرو فهم سه شاخص کلیدی به شرح زیر است:

الف- تأثیرات بیرونی^۲: این مهم ناظر بر انتظارات و الزاماتی است که سازمان‌های فرادست شامل سازمان‌های دولتی و غیر دولتی آن برای ارزیابی در نظر دارند. توجه به این انتظارات و الزامات برای بقای مؤسسه آموزش عالی ضروری است.

ب- تقاضاها^۳: این شاخص ناظر بر انتظارات متقاضیان خدمات و برون‌دادهای مؤسسات آموزش عالی است.

ج- منابع: این شاخص ناظر بر کارکنان علمی و غیر علمی، دانشجویان، تجهیزات و بودجه‌ای است که در اختیار مؤسسه آموزش عالی قرار دارد. در کنار این منابع یک منبع مهم دیگر را نیز باید

4. Output
5. Throughput

1. Input
2. External influences
3. Demands

مأموریت و اولویتهای خود را با توجه به تغییرات مورد نیاز تعیین کند.

این پرسش‌های چهارگانه اگر چه ارزیابی درونی/خودارزیابی را نیز دربر می‌گیرد اما موجب سازماندهی و بهبود دوباره خطمشی‌های مؤسسه در خصوص بررسی نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدات و سرانجام تعیین سازوکار تغییر نهادی می‌شود. اساساً هدف این چهار پرسش توصیف توانایی نهادی مؤسسه برای انطباق با درخواستهای گوناگون و پیش‌بینی آینده است. منطق این چهار پرسش آن است که مؤسسه بتواند پاسخ‌های خودش را پیدا کند. بر این اساس باید خاطر نشان ساخت که هدف ارزیابی نهادی قضاوت در خصوص کیفیت آموزش، پژوهش و یادگیری نیست. بلکه ارزیابی نهادی به دنبال توسعه نهادی از طریق ترویج دستاورهای مؤسساتی است که در مدیریت کیفیت و انجام تغییرات راهبردی موفق بوده‌اند.

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی روندهای حاکم بر ارزیابی آموزش عالی کشورهای امریکا، ژاپن، پاکستان و دانمارک و نیز با توجه به توصیفی که از الگوی ارزیابی نهادی آموزش عالی ارائه شد و نیز با توجه به ضرورت فراهم کردن شرایط و بسترهای لازم برای ورود به عرصه رقابت‌پذیری آموزش عالی و دستیابی به آینده مطلوب مؤسسات آموزش عالی، مهم‌ترین یافته‌های این مقاله را برای ارزیابی آموزش عالی به طور عام و آموزش عالی ایران به طور خاص را می‌توان بر حسب موارد زیر برشمرد:

– ضرورت به رسمیت شناختن استقلال مؤسسات آموزش عالی در بیان چشم‌انداز،

خدمات مؤسسه آموزش عالی آسیبی وارد شود. هزینه‌های کمتری را برای تأمین منابع یا دروندادهای مورد نیاز پرداخت شود.

با توجه به ارکان گفته شده، باید خاطر نشان ساخت که پاسخ به چهار پرسش زیر در به‌کارگیری الگوی ارزیابی نهادی مطابق شکل ۱ ضروری است (Hofmann, 2005, pp8-30):

پرسش اول: مؤسسه در پی دستیابی به چه چیزی است؟ این پرسش از یک سو ناظر بر بیان مأموریت‌ها و اهداف و تناسب آنها با یکدیگر است و از سوی دیگر فهم این مهم که مؤسسه آموزش عالی در سطح محلی، ملی و بین‌المللی خودش را در چه جایگاهی می‌بیند؟ و نیز این پرسش، اطلاعات مرتبط با اهداف میان‌مدت و درازمدت و نیز تناسب آنها با یکدیگر را مشخص می‌کند.

پرسش دوم: مؤسسه چگونه می‌خواهد به مأموریت و اهداف خود دست پیدا کند؟ این پرسش ناظر بر فرایندها، روندها و اقدامات به جا و تحلیل کارآمدی آنها است.

پرسش سوم: مؤسسه از کجا می‌داند آن چه را که دنبال می‌کند کارساز است؟ این پرسش ناظر بر این مهم است که ارزیابی نهادی به دنبال سنجش کیفیت آموزش و پژوهش نیست بلکه فرایندها و سازوکارهای طراحی شده برای سنجش کیفیت عملکرد مؤسسات را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. به عبارت روشن‌تر ارزیابی نهادی به دنبال فهم تناسب عملکرد مؤسسه با اهداف است.

پرسش چهارم: مؤسسه برای بهبود خود چگونه تغییر پیدا می‌کند؟ توانمندی رویارویی با تغییرات قبل از هر چیز مستلزم تعیین عواملی است که باعث ایجاد تغییر می‌شوند. پس از آن هر مؤسسه‌ای باید

- استفاده از نتایج ارزیابی به منظور بهبود برنامه‌های دانشگاهی، برنامه‌ریزی و تصمیمات مالی.
- بازنگری برنامه ارزیابی و اجرای منظم آن به منظور دستیابی به دقت نظر، امکان‌پذیری و تداوم آن.

منابع

- [۱] فراستخواه، مقصود. ۱۳۸۸. دانشگاه و مسئله کیفیت. تهران: انتشارات آگاه.
- [2] Council for Higher Education Accreditation, An Overview of U.S. Accreditation, 2009, Available at: www.chea.org
- [3] El-Khawas, Elaine, 2001, Accreditation in the USA: origins, developments and future prospects, Paris: International Institute for Educational Planning, 2001, Available at: www.....???
- [4] Higher Education Commission(HEC), Medium Term Development Framework 2005-10, Islamabad: Higher education commission, 2005.
- [5] Koenig, A. M. & Lofstad T. R., 2004, Higher Education Accreditation in the United States, EAIE Conference, 18 September.
- [6] Middle States Commission on Higher Education, Standards for Accreditation and Characteristics of Excellence in Higher Education: Eligibility Requirements and Standards for Accreditation, Philadelphia: Middle States Commission on Higher Education 2006.
- [7] Thune, Christian, 2001, Evaluating University Continuing Education: A Danish Case Paper for the EUCEN workshop in Chieti 26-27 October, Available at: www.eva.dk

- اهداف، مأموریت‌ها، تعیین فعالیت‌ها و اولویت‌های خود.
- تأکید بر پاسخگو بودن و ارتقای اعتماد عمومی نسبت به مؤسسات آموزش عالی.
- توجه به بافتار آموزش عالی که ناظر بر محیط درونی و بیرونی احاطه کننده مؤسسات آموزش عالی است.
- دستیابی به اجماع دسته‌جمعی در خصوص چشم‌انداز، مأموریت‌ها، اهداف، یادگیری میان مسئولان مؤسسه، اعضای هیئت علمی و دانشجویان.
- دستیابی به فهم مشترک در خصوص چگونگی تحقق اهداف برنامه‌های آموزشی و پژوهشی.
- دستیابی به فهم مشترک در خصوص اهداف ارزیابی.
- داشتن برنامه مدون و مستند برای ارزیابی بر اساس اتفاق نظر بر سر اهداف ارزیابی.
- مشارکت جدی و تعیین کننده اعضای هیئت علمی مؤسسه در طراحی و اجرای برنامه‌های ارزیابی.
- تضمین مشارکت مدیران، دانشجویان، کارکنان و سایر نقش‌آفرینان مؤسسه در ارزیابی.
- بررسی داده‌ها و اتخاذ تصمیم بر اساس آنها و اشاعه نتایج به شرح زیر:
 - بازخورد به مشارکت‌کنندگان
 - انتشار نتایج ارزیابی نزد نهادهای ارزیاب داخلی و بیرونی.